

سخن

مجله ادبیات و دانش و هنر امروز

همکاران شماره ۷

م. بزرگمهر - پرویز نائل خانلری - حسین
خدایوجم - محمد روشن - زاله - رضا سید حسینی
قاسم صنعوی - هوشنگ طاهری - کامران فانی
عباس قریب - گلچین گیلانی - منوچهر مزینی
خسرو معظمی - ودرزی - جمال میرصادقی -
محمود نفیسی

بهمن ۱۳۵۰

۳۰ ریال

پس از خواندن شعر
«در نومییدی...»
نادر نادرپور

مزرع امیدواران

هر که رو آرد سحرگه سوی صحرای بهاران
راز رستن‌های نو را بشنود از سبزه‌زاران .
از سفر باز آمدند انبوه مرغان مهاجر
شاید آوردند با خود مژده دیدار یاران .
انتظار آرد بیار امیدها - آشفته‌گیها
من که هستم عاشق بی‌تابی چشم‌انتظاران .
گر نباشد آرزوی روزگاران طلائی
جان شود تاریک و تن پڑمان زگشت روزگاران .
تخم خوشبختی چو هر بذر دگر تا سبز گردد
آبیاری کردنش باید بصد امیدواری .
بی‌ثمر هرگز نماند مزرع امیدواران .
در تلاش قطره آبی سوختن صدبار بهتر
زانکه همچون چارپا خفتن کنار جویباران .

دل به دریا می زند هر کس دلی دارد چو دریا
 نیست باکی مرغ توفان را ز نم‌نم‌های باران.
 آسیای سرکش تقدیر می چرخد بشدت
 یا که در دست توانا چرخهایش را گرفتند
 یا بخواری خردگشتن زیر چرخ بی‌امانش
 انتخاب ره بود پیوسته کار رهسپاران ...
 من پس از عمری یقینم شد که با گشت زمانه
 باز پیروزی نشیند روی دوش پایداران ...

ژاله (اصفهان)

۱۳۵۰

بدن شعر
 «...»
 پور